

درخت زیبای من

ژوزه مائورو واسکونسلوس



ترجمه: قاسم صغوی

(چاپ شانزدهم)





فروشگاه www.joghdpub.ir

joghdbook@gmail.com

[@joghdbook](https://www.instagram.com/joghdbook)

[joghd.ketab](https://www.joghd.ketab)



موسسه‌ی انتشارات جغد

شماره: سما، واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۰۰۳۷۱۹۳

تهران: صندوق پستی ۱۴۷-۱۶۶۳۵



#آب زندگی است

درخت زیبای من: ژوزه مانورو واسکونسلوس

مترجم: قاسم صمدی

مدیر هنری و طراح: دکتر بنیوس خسیروی

صفحه‌آرایی: کارگاه جغد

چاپ و صحافی: سرمدی

نوبت چاپ: شانزدهم - اول ناشر: ۱۳۵

شمارگان: ۱۰۰۰

ISBN: 978-622-99558-9-5

سرشناسه: واسکونسلوس، ژوزه مانورو ده، ۱۹۲۰ - ۱۹۸۴م. Vasconcelos, Jo. Mau de

عنوان و نام پدیدآور: درخت زیبای من / ژوزه مانورو واسکونسلوس، بنیوس خسیروی، مترجم: قاسم صمدی

مشخصات نشر: تهران: نشر جغد، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۰۴ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ سم.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۵۵۸-۹-۵

یادداشت: Omeu pe de laranja lima. عنوان اصلی:

موضوع: داستان‌های برزیلی -- قرن ۲۰م.

Brazilian fiction -- 20th century : موضوع

شماره افزوده: صنعتی، قاسم، ۱۳۱۶ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ د۵الف/۳۴ PQ ۹۶۹۸

رده بندی دیویی: ۸۶۹/۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۳۱۷۱

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب به هر شکل برای نشر جغد محفوظ است.



Paper from well managed forests
and controlled sources
کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کالا مدیریت شده تهیه شده است.

۷	مقدمه مترجم
۱۲	قسمت اول: داستان پسر بچه‌ای که روزی اندوه را کشف کرد
۱۳	۱- به دنبال کشف اشیا
۲۶	۲- درخت پرتقال شیرین کوچک
۴۱	۳- گشتان لاغر من
۶۸	۴- نده، لسه، گل
۸۷	۵- می‌خواهم بسنم که در زندانی جان می‌سپاری
۱۰۴	قسمت دوم: آن‌گاه بود که سیح‌چک با تمام اندوهش ظاهر شد
۱۰۵	۱- خفاش
۱۱۶	۲- فتح
۱۲۹	۳- از هر دری سخنی
۱۴۳	۴- دو تنیه فراموش نشدنی
۱۵۶	۵- درخواست دلپذیر و غریب
۱۷۵	۶- چیزهای ناچیزی که ایجاد محبت می‌کند
۱۸۳	۷- مانگاراتیا
۲۰۱	۸- بسیاری درخت پیر وجود دارد
۲۰۳	۹- اعتراف نهایی

درباره‌ی نویسنده

ژوزه مائورو ده واسکونسوس^۱، نویسنده برزیلی، در ۲۶ فوریه ۱۹۲۰ در بانگو^۲ از توابع ریو و ژتیرو متولد شد. دوران کودکی را در ناتال^۳ گذراند و در آنجا با آفتاب، بسا، و آب فراوان بزرگ شد. در نه سالگی شنا یاد گرفت و در دوران بزرگسالی، لذت فراوان از روزهای شادمانه‌ای یاد می‌کرد که در پوتنزی، تقریباً ساحل دریا، به آب می‌زد و برای آزمون‌های مسافت‌های دور تمرین می‌کرد. مرتباً به بیابان رفت، ولی در پناه یک قایق، زیرا محدوده ناتال همیشه در معرض هجرت کرسه‌هاست. چند بار عنوان قهرمانی شنا را کسب کرد و مانند هر پسر بچه‌ای دوست داشت فوتبال بازی کند و از درخت‌ها بالا برود.

از ده تا پانزده سالگی در دبیرستان درس خواند. در آن هنگام آثار نویسندگانی چون گراسیلیانو راموس^۴، پائولوس ستوبال^۵ و ژوزه لینس ده رگو^۶ را می‌خواند. «دانشکده‌های خود» را در متنوع‌ترین حرفه‌ها گذراند، حتی در کشتی پر

^۱ Jose Mauro de Vasconcelos

^۲ Bangu

^۳ Natal

^۴ Graciliani Ramos، رمان‌نویس برزیلی (۱۹۵۳-۱۸۹۲) که شرح زندگی سیاسی‌اش را در کتاب «خاطرات زندان» نقل کرده است.

^۵ Paulos Setubal

^۶ Jose Lins de Rego، رمان‌نویس برزیلی (۱۹۵۷-۱۹۱۰) که نوشته‌هایش از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز دارای ارزش هستند.

وزن شد و برای هر مسابقه صد کروزیرو دریافت می‌داشت. در یکی از مزارع مازومبا^۱ کارگر کشاورزی شد و در سواحل نزدیک ریو به ماهیگیری پرداخت. زمانی هم به ایالت پرنامبوک^۲ روی آورد و مدام شمال و جنوب آن کشور را زیر پا گذاشت. در فرجام به سرتاو^۳ رفت و در میان سرخ‌پوستان رحل اقامت افکند. روزه مائورو ده واسکونسوس که واجد توانایی فطری در نقل ماجراها و دارای حافظه‌ای افسانه‌ای و تخیل خیره‌کننده و تجربه عظیم انسان‌ها بود، درصدد برنیامد که نویسنده شود، بلکه ناگزیر شد که نویسندگی پیشه کند. رمان‌هایش هم پورگزاره‌های آتش‌فشانی از درونش پرتاب شد. «بایستی» که می‌نوشت. نوع فرمان آثار روزه مائورو ده واسکونسوس، او را در میان شوخ‌طبعی و جدی بین. امو لطیف و غم‌انگیز، هیجان و سنگدلی، به نوسان در می‌آورد. این تنوع و زری، گاهی شرا و را، مانند تصویر زندگی، از لحاظ کیفی دارای پست و بلند می‌کرد.

خود او گفته است: وقتی که داستان به طور کامل در خیالم شکل گرفت، به نوشتن می‌پردازم. فقط زمانی توان را آغاز می‌کنم که احساس کنم رمان از تمام منفذهای بدنم به خارج می‌تآود. پس از آن بی‌وقفه می‌نویسم. روش کارش این بود که موضوع اثر مستقیماً در ذهن می‌پروراند تا وقتی که کتاب به طور کامل در خیالش «نوشته» می‌شد. واسکونسوس می‌گفت که در لحظه شروع به کار، در مرحله ماشین‌نویسی، هر طور که می‌تواند فصل‌های کتابش را پشت سر هم بنویسد، به همان خوبی قادر است و یک قسمت به قسمتی دیگر ببرد. وقتی فصل اول به پایان رسد، می‌تواند به قسمت پایانی کتاب بپردازد. بی آن‌که در این فاصله، «گره» اثر را تدوین کرده باشد.

Mazomba^۱

Pernambouc^۲

Sertao^۳ منطقه خشک و تقریباً بی‌حاصل برزیل مرکزی را چنین می‌نامند.

واسکونسوس شیوه‌ای بسیار بدیع داشت. ابتدا صحنه‌ای را که شخصیت‌ها باید در آن به تکاپو می‌پرداختند بر می‌گزید. سپس خود را به آن محل می‌رساند تا به بررسی‌های عمیق بپردازد. برای نوشتن یکی از کتاب‌هایش، در حدود دو هزار کیلومتر در سرتاوئی وحشی سفر کرد. پس از آن، به تخیل خود بال و پر می‌داد و در عالم خیال تمام جزئیات رمانش را می‌ساخت و حتی عبارت‌های گفت‌وگوها را نیز تدارک می‌دید. حافظه قوی‌اش به او اجازه می‌داد که کوچک‌ترین جزئیات سناریو را مدت‌ها و مدت‌ها بعد به یاد بیاورد. خودش در این باره می‌گفت: «علت این امر آن است که تمام فصل‌های کتاب از مدت‌ها قبل در فکر من تله‌ن یافته‌اند. به این ترتیب، نوشتن فصل‌ها به طور منظم و پیاپی، بدون نیاز به نظم، چندان اهمیتی ندارد. بالاخره هر چیز در جای خود قرار می‌گیرد.»

واسکونسوس نویسنده‌ای سی‌ساله و تلویزیونی بود و در فیلم‌های متعددی هم ظاهر شده است. استعدادی شگفت‌ناپذیر داشت و بازی‌هایش با موفقیت فراوان مواجه می‌شد. اما بهترین کار دنیا برایش این بود که چون پرستاری به سرخ‌پوستان - که مادرش از آنان بود - خدمت کند. با آن که در سائو پائولو به سر می‌برد، همواره آماده بود که در جنگل به «کشتن ملال‌هایش» بپردازد.

ژوزه مائورو ده واسکونسوس از جمله نویسندگانی بود که آثار خود را صد بار به کار گاه می‌برند و تغییر شیوه می‌دهند. به همین جهت، نخستین رمان او که در سال ۱۹۴۲ نوشته شده، نمی‌تواند اثری متعلق به دوران جوانی را نظر گرفته شود. نویسنده در این اثر همان ویژگی‌هایی را می‌نماید که در رمان‌های ده‌ساله بختگی‌اش هم پایدار می‌ماند. امتیازهای شناخته شده نویسنده‌ای بزرگ و «قص‌های جوانی» او، شخصیت سودایی و استعداد قصه‌نویسی را آشکار می‌کنند که از گفته خود باز نمی‌گردد.

موفقیت بزرگ واسکونسلوس در عرصه ادبیات با انتشار «روزنیا، قایق من» در ۱۹۶۲ آشکار شد.^۱ «درخت زیبای من» که در سال ۱۹۶۸ به چاپ رسید فقط حاصل دوازده روز کار بود. ولی این اعتراف را از نویسنده‌اش داریم که «این اثر بیست سال در اندرون من بوده».

بوج انفجار شهرت واسکونسلوس تمام برزیل را فرا گرفت و هم منتقدان و هم خوانندگان، نوشته او را چون سندی اجتماعی و یک بررسی روان‌شناختی بر شار از واقعیت و لطافت ستودند. «درخت زیبای من» در اندک زمانی به چنین آیین تری تبدیل شد و هنگامی که نویسنده انسان‌دوست آن در می‌گذشت، چهل و هفت سال این کتاب انتشار می‌یافت و طی بیست و دو سال بالغ بر یک میلیون نسخه پخش شده است. نوازنده از آن به فروش رسیده بود. «درخت زیبای من» در همان سالی که انتشار یافت نه تنها موفق به دریافت جایزه روکنی پیتو اسپسیال^۲ شد، بلکه صدای هر خواننده خود را به قدری گریاند- و نیز تا جایی که اشک به چشم آورده و خندد- که گفته شد بر اثر انتشار آن «مقدار قابل توجهی بر آب‌های آمازون افزوده شد» واسکونسلوس با قهرمان خردسالش موسوم به زوزه (مخفف ژوزه) بر تمام خوانندگان این اثر تأثیر گذاشت.

درباره «درخت زیبای من» گفته‌اند که این کتاب یکی از زیباترین آثاری است که درباره کودکی و دنیای آن نوشته شده است. شاید موفقیت این اثر بود که واسکونسلوس را برانگیخت تا سال‌ها بعد (۱۹۷۴) سرگذشت قهرمانش را در دوران نوجوانی و شباب نیز دنبال کند و این اثر که در حقیقت حاصل دوم «درخت زیبای من» است، «خورشید را بیدار کنیم» نام گرفته است.

^۱ در زندگی‌نامه واسکونسلوس که سفارت برزیل از سر لطف در اختیار ما قرار داده، سال انتشار «روزنیا، قایق من» چنین ذکر شده. اما این اثر احتمالاً در سال ۱۹۶۹ به چاپ رسیده است. (م)

ژوزه مائورو ده واسکونسوس در دوران نوجوانی به سبب فقر خانواده ناگزیر شد نزد یکی از خویشاوندانش در ایالت ریو گراند^۱ دو نورت^۱ زندگی کند. به دلیل وجود همین ماجرا در زندگی واسکونسوس است که در «خورشید را بیدار کنیم» می‌بینیم که زوزه در یازده سالگی در خانه پزشکی که سرپرستی او را به عهده گرفته تا تحصیلاتش را به پایان برساند، زندگی می‌کند. ولی در این مرحله نیز زندگی زوزه از شیطنت و بازی در آوردن سر دیگران، سرشار است. در این جا هم خیال‌پروری رهایش نمی‌کند، باز هم در عالم رؤیا برای خود پاریس می‌سازد که مهربان و پراحساس باشد و شب وقتی که زوزه خوابید، به سراغ بیابان روشنش را بپوشاند.

قلب ژوزه مائورو ده واسکونسوس، نویسنده آثاری که به سبب سادگی خود و احساس همدلی و گرایش مهرآمیز خود به فرودستان و ستمدیدگان، محبوبیت عام یافته بود، در ۲۴ روتیه ۱۹۰۴، پتیدن بازماند.

^۱ Rio Grande do Norte